

اتفاقاً از دیدگاه من مقصر اصلی برخی مسئولان پیشین و فعلی هستند که چشم‌انداز روشن و قوانینی که کار راه‌انداز باشد را مشخص نکردند. نباید طالبانی اقدام کرد. مثلاً ما می‌خواستیم مشکل «سند مالکیت» شهرک شهید رجایی را حل کنیم. بعد نهاد طرف حساب ما اعلام می‌کند آنجا موقوفه است و نماز و عبادات مردم درست نیست. این راهکار طالبانی است! وقتی ۲۰۰ هزار نفر آنجا ساکن شده‌اند، دیگر نمی‌توانیم این‌گونه واکنش نشان دهیم. بهترین راهکار هم برقراری نوعی سازش بین دو طرف است. آستان قدس در بحث سند یک مقداری کوتاه بیاید شهرداری هم تسهیلات در اختیار بگذارد کسانی هم که تملک کرده‌اند هم برای بهبود شرایط هزینه بدهند و مشارکت کنند. دولت هم شرکتی را به صورت تعاونی با حضور ساکنان و با عضویت معتمدان محل و نمایندگان نهادها تأسیس کند. چون وقتی دستگاه‌ها مستقیم وارد شوند مردم موضع منفی می‌گیرند.

### ❖ به نظر شما حلقه مفقوده در رابطه بین ساکنان حاشیه شهر و مسئولان چیست؟

❖ اعتمادسازی! اکثر ساکنان اعتمادی به مسئولین ندارند. متأسفانه الان وضعیت به گونه‌ای است که مشکلات قابل حل ساکنین وقتی وارد چرخه اداری می‌شود لاینحل می‌شود. ما چیز اضافی هم نمی‌خواهیم. هر سازمانی وظیفه ذاتی خود را انجام دهد مشکلات حل می‌شود. من هم مانند خیلی از فعالان دیگر با تشکیل ستاد و کار گروه جدید مخالفم. البته برنامه‌ریزی و تمرکز تصمیمات خوب است ولی تکثر نهادی مفید نیست. ساکنان حاشیه شهر، نظام و کشور را دوست دارند اما در مجموع نسبت به مسئولین محلی و شهری نگاه خوبی ندارند. مردم از پیگیری مطالبات ترس دارند، اینجا کارشناس می‌آید بدون توجه به محیط و مشورت با ساکنان تصمیم می‌گیرد. ما جایی را داشتیم که آب گرفتگی در سه ماه از سال مشکل ساز بود. جوی آبی را طراحی کردند. اهالی می‌گفتند این جوی آب به درد اینجا نمی‌خورد، ولی انجام دادند. مشکل سه‌ماهه آب گرفتگی حل شد، اما دوازده ماهه ترافیک سنگین ایجاد شد!

### ❖ چه فرد یا نهادهای باید این خلأ میان مردم عادی و مدیران و مجریان طرح را پر کنند؟

❖ در مناطقی که متولی ندارد، تصمیم‌سازی و اجرا با مشکل مواجه می‌شود. اگر برای مناطق حاشیه متولی تعیین و یکسری از اختیارات هم تفویض می‌شود، بسیاری از این مشکلات و اعتراضات شکل نمی‌گرفت. این متولیان محلی، مطالبات مردم را منعکس می‌کردند و حاکمیت هم قوانین را از طریق آن‌ها به مردم انتقال می‌دادند. البته شورای محلات که اخیراً ایجاد شده اقدام خوبی است اما بیشتر پیگیر مسائل شهرداری است. در حاشیه شهر معمولاً در هیئت امنای مساجد و تشکلات فرهنگی و اجتماعی کسانی هستند که دغدغه پیگیری مشکلات را دارند. اگر داشتن پیوست فرهنگی برای اقدامات و سیاست‌گذاری‌ها لازم است برای حاشیه شهر علاوه بر پیوست فرهنگی نیاز به پیوست اجتماعی هم داریم.

### ❖ شما تجربه‌ای از جلب مشارکت مردم یا توجه مسئولین دارید؟

❖ یک شب بعد از نماز از وضعیت برقراری امنیت در این منطقه ناامید شدم و خطاب به مردمی که در مسجد بودند گفتم این کلانتری که برای ما سودی ندارد، باید به درش قفل بزنیم! بیایید برویم تا این کار را انجام بدهیم، همین خیلی سروصدای ایجاد کرد و تأثیر گذار بود. بر خور د با اادل و او باش یک نمونه دیگر است، من خودم هشتاد و شش نفر را به صورت مکتوب به چهار نهاد اداره اطلاعات، سپاه، معاون امنیتی استانداری و دستگاه قضایی معرفی کردم. یک بازه زمانی تعیین کردیم. به مردم اعلام کردیم هر جا درگیری شد اعلام کنند. شبکه‌ای از افراد معتمد هم برای تحقیق می‌فرستادیم تا گزارش مکتوب وقایع را بیاورند. در طول یک ماه، سی درگیری خشن ثبت و به همان مراجع چهارگانه اعلام کردیم. به این طرح هم اکتفا نکردیم. یک کار تحقیقاتی میدانی درباره وضعیت اعتیاد، قاچاق مواد مخدر و معضلات اجتماعی انجام دادیم که حدود هشت ساعت فیلم و دو تا جزوه نتیجه آن بود. به نوعی از رسیدگی مسئولان قطع امید کرده بودم. این فیلم‌ها و جزوات را در حاشیه جلسه‌ای به دست‌فرزند مقام معظم رهبری رساندم و هیئتی برای بازدید ناگهانی آمدند، اما مردم نگران بودند که برخوردی با من شود! این خودش نشان‌دهنده تصویر ذهنی مردم این مناطق است.

### ❖ اهالی حاشیه شهر چه ظرفیت و ویژگی عمده‌ای دارند که می‌تواند در مدیریت امور این مناطق بهره‌بردار باشد؟

❖ اگر در یک روز برقی در بلوار سجاد، شهرداری یک ماشین سنگین بفرستند و بگویند مردم در برقراری مشارکت کنند، بعید است کسی بیاید اما در حاشیه شهر اگر اعلام شود ماشین با ما، هر کس هم و انت و ابزار جمع‌آوری دارد بیاورد. تازه مردم خوشحال و راضی هم هستند که این سازمان مسئول چقدر به فکر ماست! اگر ماتدبیر کنیم، می‌توانیم این پتانسیل را در هر موضوع و پروژه‌ای تعمیم دهیم. توقعات مردم حد اقلی و هزینه‌های دولت پایین می‌آید، به عنوان مثال ما در مسجد خودمان برای بچه‌هایی که به مسجد می‌آمدند پیراهن‌های سفیدی دوختیم و به بهانه‌های مختلف هدیه می‌دادیم. یک باره موجی از بچه‌ها آمدند که به آن‌ها گفتیم یک ماه مرتب به مسجد بیایید تا هدیه بگیرید. این‌ها آمدند و در برنامه‌های مسجد هم مشارکت داشتند. الان از پنجاه یا شصت نفر جمعیت کودکان و نوجوانان به حدود دویست نفر رسیده‌اند. شاید اگر در محلات مرفه به بچه‌ها تبلت هم بدهیم جذب نشوند اما اینجا با یک پیراهن ده هزار تومانی یک فعال مسجدی و فرهنگی بالقوه داریم. از نظر نیروی کار ماهر در امور عمرانی و تأسیساتی، شما صبح‌ها بیایید در کمر بندی صدمتری ببینید چقدر موتور و ماشین با لوازم کار به نقاط مختلف شهر می‌روند. این‌ها برای طرح‌هایی که فضای زندگی‌شان را بهبود بخشند نیروی کار بالقوه‌اند. در بحث توانمندسازی اقتصادی و اشتغال ما این همه اراضی آماده داشتیم، با تعلق ما به جای کارخانه‌ها و مجموعه‌های اقتصادی به مرور مسکن‌ها و شهرک‌های قاجاقی ساخته شد.

### ❖ چه موانعی برای فعال‌سازی این ظرفیت‌ها و جلب مشارکت مردم این مناطق وجود دارد؟

❖ به اعتقاد من مشکل بنیادی در حاشیه مشهد و به ویژه شهرک‌های شهید رجایی و باهنر بحث «سند مالکیت» و «امنیت اقامت» است چرا که ارائه خدمات و برنامه‌ریزی در بسیاری از موارد منوط به آزاد کردن زمین است. ما وقتی بستر نداریم چگونه می‌توانیم در آن «بستر نداشته» چیزی را تعریف کنیم. مثل یک بچه‌ای که شناسنامه ندارد و نمی‌تواند خدمات دریافت کند. تازمانی که حاشیه شهر فاقد این هویت رسمی است نتیجه نمی‌گیریم. اگر ما به منطقه هویت بدهیم، هم تسهیلات آزادی می‌شود و هم ساکنان برای مشارکت در حل موضوعات دلگرم می‌شوند. در سه دهه گذشته از یک طرف به خاطر بی‌اعتنایی برخی نهادها مثل آستان قدس اراضی حاشیه شهر به شهرک‌های کوچک و بی‌قواره تبدیل شد و از سوی دیگر مسئولان هم که حاشیه شهر را یک تهدید می‌دیدند، برای جلوگیری از این گسترش بی‌رویه آن را از بسیاری از امکانات و خدمات محروم کردند. در شهرک شهید رجایی ساکنان فاقدان هویت، معضل دیگری است که سرچشمه بسیاری از جرائم محسوب می‌شود. در برآوردی که ما داشتیم حدود ۲۵۰۰ خانوار فاقد هویت در شهرک رجایی و باهنر ساکن‌اند. شاید دستگاه‌ها حتی تا یک سال پیش هم اطلاع دقیقی از این موضوع نداشتند. این‌ها عمدتاً با بحث فروش مواد مخدر و نزاع‌های درون قومی شناخته می‌شوند. ما در مساجد قلعه ساختمان حدود سی و هفت امام جماعت فاقد هویت قانونی داشتیم که بخشی از آن‌ها از لحاظ فکری به جریان‌های زاویه‌دار با نظام وابسته بودند، البته دستگاه‌های مسئول مثل سازمان تبلیغات برای این مسئله اقداماتی انجام داده است. در شهرک شهید رجایی حدود دویست و سی بنگاه املاک داریم که بیش از یک سوم آن‌ها فاقد مجوزند و خانه‌ها و اراضی را بدون نظارت و فقط با یک برگه خرید و فروش می‌کنند. شما اگر بخواهید یک خط ایرانسل بگیرید باید هویتتان احراز بشود اما اراضی آستان قدس و موقوفه در حاشیه شهر این‌گونه معامله می‌شوند. این یک شیوه غلط اما رایج است که در بروز مشکلات آسان‌ترین دلیل را انتخاب کرده و همیشه فاکتور آخر را معرفی می‌کنیم. در حاشیه شهر هم مدیران با رفع تکلیف توپ کم‌کاری خود را به میدان مردم می‌اندازند. این که مدام مردم را مقصر بدانیم و بگوییم به قوانین تمکین نمی‌کنند کار راحتی است. مثلاً همین تملک اراضی آستان قدس مال امروز و دیروز نیست و به حدود ۴۰ سال پیش برمی‌گردد اگر آستان قدس با یک مکانیسم تعریف شده از همان موقع مبالغ کمی را به عنوان اجاره از این‌ها می‌گرفت الان بخش عمده‌ای از مشکلات حل می‌شد و ما می‌توانستیم این‌ها را به سمت قوانین سوق بدهیم. نهادهای مختلف از این موضوع غفلت کردند و حالا هم می‌خواهیم قوانین مصوب را به یک باره اجرا کنیم.